

Analysis of the Kingdom of Solomon in the Holy Quran as a Monotheistic Civilization
(Study of the Civilization Components of Solomon's Government)

Received: 2021/09/18

Accepted: 2021/11/27

Mahdi Khoshdoni*

(161-186)

According to the narrated and historical evidence, the government of Prophet Suleiman is one of the greatest, most important and influential powers throughout human history and is always considered by different religions, especially monotheistic religions. There are references to this rule in the Holy Quran. Of course, the characteristics of the Prophet Suleiman's government is discussed in greater detail than other stories in the Qur'an and it has been named the kingdom of Solomon. The issue the present research looks to discuss is the possibility of proving the government of Suleiman as a monotheistic civilization with the criteria of civilization studies. This article examines and analyzes the kingdom of Suleiman with the aim of discovering and approving it as a civilization, it deals with the civilizational indicators and rules of this kingdom in which the verses of the Holy Quran and the characteristics of the kingdom of Solomon are analyzed alongside the components and indicators necessary to prove the civilization of a government from a civilizational perspective. Furthermore, important components such as ideology and doctrine, leadership and management, macro component of authority and power in components such as military authority and security, economic, political, scientific and technological authority as well as astounding extraordinary powers, geographical components and territories, social and cultural factors especially in important indicators such as justice and fighting oppression, welfare and development, architecture and urban planning, law and social order have been considered. The result is that kingdom of Solomon is rare and unique in these components and indicators of civilization in his time and even many of them until now. The salient truth in the civilization of Solomon is the formation and prolongation of the existence of such a kingdom based on monotheism, which has paved the way for the creation of a great and unique civilization. It is clear that the formation of a great and strong religion-based and monotheistic civilization is in fact proof of the a priori history of monotheistic civilization, which is effective in acknowledging the possibility of the subsequent formation and re-formation of a religious and monotheistic civilization in the form of a modern Islamic civilization or civilization under the Mahdi.

Keywords: Monotheistic civilization, Quran, Kingdom of Suleiman the Prophet, Components and Indicators of Civilization.

* . Assistant Professor of Quranic and Hadith Studies, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran -
hajmahdi133@chmail.ir.



واکاوی «ملک سلیمان» در قرآن کریم در قامت یک تمدن توحیدی (بررسی مؤلفه‌های تمدنی دولت سلیمان)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

مهدی خوشدونی*

(۱۶۱-۱۸۶)

چکیده

بر اساس داده‌های نقلی و شواهد تاریخی، حکومت سلیمان نبی یکی از قدرت‌های بزرگ، مهم و تأثیرگذار در طول حیات تاریخ بشر بوده و مورد توجه همیشگی ادیان مختلف به‌ویژه ادیان توحیدی است. در قرآن کریم اشاراتی به این حکومت وجود دارد. البته ماجرای ویژگی‌های دولت حضرت سلیمان نسبت به داستان‌های دیگر قرآن، به طور جزئی‌تری بحث شده و از آن تعبیر به «ملک سلیمان» شده است. مسئله پژوهش پیش رو امکان اثبات دولت سلیمان به‌عنوان یک تمدن توحیدی در معیارهای تمدن‌پژوهانه است. این مقاله با بررسی و واکاوی ملک سلیمان، با هدف کشف و اثبات آن در قامت یک تمدن، به شاخص‌ها و قواعد تمدنی این ملک می‌پردازد، که در آن با روش تحلیلی، از آیات قرآن کریم و تطبیق ویژگی‌های ملک سلیمان با مؤلفه‌ها و شاخص‌های لازم برای اثبات تمدنی بودن یک حکومت، از منظر تمدن‌شناسان پرداخته است. همچنین مؤلفه‌های مهمی چون ایدئولوژی و مکتب، رهبری و مدیریت، کلان‌مؤلفه اقتدار و قدرت در مؤلفه‌هایی چون اقتدار نظامی و امنیت، اقتدار اقتصادی، سیاسی، علمی و فناوری و همچنین قدرت‌های عجیب و شگفت‌انگیز، مؤلفه جغرافیایی و عرصه سرزمینی، عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه در شاخص‌های مهمی چون عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی، رفاه و توسعه‌یافتگی، معماری و شهرسازی، قانون و نظم اجتماعی در نظر گرفته شده است. نتیجه آنکه ملک سلیمان در این مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدنی در عصر خود و حتی بسیاری از آن تاکنون، کم‌نظیر و در مواردی بی‌نظیر بوده است. حقیقت برجسته در تمدن سلیمان، شکل‌گیری و تداوم حیات چنین ملکی بر اساس توحیدمحوری است، که زمینه ایجاد یک تمدن بزرگ و بی‌نظیر را رقم زده است. بدیهی است تشکیل یک تمدن بزرگ و قوی

دین‌محور و توحیدگرا، در واقع اثبات وجود سابقه پیشینی تمدن توحیدی است که در تصدیق امکان تشکیل پسینی و مجدد یک تمدن دین‌مدار و توحیدگرا در قالب تمدن نوین اسلامی یا تمدن مهدوی کارایی دارد.

واژگان کلیدی: تمدن توحیدی، قرآن، ملک سلیمان نبی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدنی.

مقدمه

حکومت حضرت سلیمان در قرآن کریم به طور بارز و شاخص تبیین شده و قدرت‌ها و ویژگی‌های شگفت‌انگیزی برای این حکومت مطرح شده است. از طرفی در رأس هرم قدرت این حکومت حضرت سلیمانی است که هم‌زمان دارای مقام نبوت است و مأموریت الهی دارد. تعبیر قرآن از دولت او عبارت «مُلک سلیمان» (بقره: ۱۰۲) است. از این‌رو انگیزه برای بررسی و واکاوی ابعاد مختلف این حکومت عظیم اهمیت پیدا می‌کند. نکته دیگر در کنار این واقعیت، اهمیت حکومت‌های تمدنی در حیات تاریخی بشر است؛ چراکه قدرت‌های تمدنی توحیدی در واقع توانسته‌اند تا حد زیادی عالی‌ترین ظرف تحقق یک جامعه مطلوب را در عصر خود به‌ارمغان آورند. بنابراین فهم چستی ابعاد قدرت و دولت سلیمان ضرورت پیدا می‌کند. نکته مهم آنکه ملک سلیمان تا چه اندازه در قامت یک حکومت تمدنی می‌گنجد و تا چه حد به یک تمدن بزرگ نزدیکی و شباهت دارد. پس آنچه مسئله پژوهش پیش‌روست، امکان ارائه این ملک در قامت یک تمدن حقیقی است؛ یعنی آنکه می‌توان ملک سلیمان را مساوی تمدن سلیمان به طور واقع دانست. به عبارت دیگر آیا می‌توان ادعا کرد که چنین ملکی در اندازه یک تمدن بزرگ قابل طرح است (بیان مسئله)؟

در باره موضوع تمدن و سلیمان، کارهای پژوهشی پراکنده‌ای صورت پذیرفته است؛ چنان‌که در مقالاتی چون «توسعه و تمدن‌سازی در حکومت‌های دینی» (منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸)، به شاخصه‌های توسعه و تمدن در دو حکومت حضرت داوود و سلیمان پرداخته شده، ولی بیشتر توجه آنها به ارائه الگو دینی بوده و توجه ویژه‌ای به شاخص‌های تمدنی و تطبیق آنها نداشته‌اند، بلکه تمرکز بحث مربوط به توسعه است. از این‌رو احصای کاملی در ابعاد و اثبات تمدنی بودن این ملک ارائه نداده است، و از طرفی تمرکزی نیز به

طور ویژه در حکومت حضرت سلیمان ندارد. در مقاله دیگری نیز با عنوان «بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های تمدن آخرازمان از منظر قرآن کریم با تحلیل همانندی‌های آن با حکومت‌های اولیای الهی» (خوشدونی و شبدینی پاشاکی، ۱۳۹۶)، به برخی ویژگی‌ها و شاخص‌های تمدنی حکومت چند اولیای الهی پرداخته شده، اما به طور ویژه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدنی حضرت سلیمان اشاره نشده، بلکه به طور کلی و غیرمتمرکز به بحث حکومت حضرت سلیمان و شباهت آن با حکومت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته شده است. همچنین کتاب نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی (منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۹۴) به مباحثی حول ویژگی‌های دولت سلیمان پرداخته، اما به طور کلی و در نگاهی جامع‌نگر به مباحث تمدنی این دولت نپرداخته، بلکه گزارشی موردی ارائه کرده است.

از این رو کار قابل توجهی که بتواند نخست حکومت عصر حضرت سلیمان را در قواره یک تمدن دینی بررسی کند و دوم آنکه آن را در قالب مؤلفه‌های مهم تمدنی از منظر تمدن‌شناسان ارائه دهد، تاکنون صورت نپذیرفته است. این جنبه مهم نوآورانه پژوهش پیش روست. بنابراین هدف مقاله حاضر، بررسی و واکاوی حکومت عصر حضرت سلیمان در تراز یک حکومت تمدنی است. بدیهی است اثبات تمدنی بودن این حکومت نشانگر کارایی حکومت‌های دینی و توحیدمحور در ایجاد یک جامعه تمدنی برای بشر است.

در این مقاله با روش تحلیل محتوا به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدنی ملک سلیمان پرداخته و ضمن بررسی و واکاوی آنها، این موارد با مؤلفه‌های مهم تمدنی تطبیق داده شده است تا میزان تمدنی بودن این ملک سنجیده شود، و به دست آید که می‌توان این حکومت دینی را به عنوان یک تمدن ارائه کرد یا نه؟

بدیهی است اثبات وجود یک تمدن دینی و توحیدی در گذشته ملت‌ها تصدیقی بر امکان برپایی یک تمدن دین‌محور و توحیدگرا در قالب تمدن نوین اسلامی یا تمدن مهدوی خواهد بود.

چهارچوب نظری

تمدن‌شناسان هر تمدنی را لزوماً اثرگذار، برجسته، فراگیر و ماندگار نمی‌دانند، جز آنکه

دارای ویژگی‌های خاصی باشند. برخی از این ویژگی‌ها، با عنوان مؤلفه‌ها یا شاخص‌های تمدنی یاد شده است. البته تعداد این مؤلفه‌ها نیز در بیان تمدن‌شناسان مختلف است، اما می‌توان گفت که این مؤلفه‌ها در کلیت و حقیقت وجودی یک‌سان‌اند و این تکرار در موارد متعددی قابل تجمیع است. در یک گزارش کلی از این تعبیرات، بسیاری از تمدن‌شناسان قانون، نظم و حکومت را سه مؤلفه اصلی تمدن معرفی می‌کنند (ر. ک. غلامی، ۱۳۹۶: ۲۵). هرچند این سه مؤلفه بسیار مهم‌اند، تمدن‌ها برای ماندگاری به عناصر یا مؤلفه‌های فراتری از اینها نیاز دارند. به طور خلاصه در بیان برخی نظم اجتماعی، توسعه سیاسی، سبک زندگی، ترقی و پیشرفت، عدالت، اقتصاد و فرهنگ، آزادی و... آمده است (ر. ک. همان: ۲۵-۲۷). از نظر برخی دیگر از تمدن‌شناسان نیز عواملی نظیر (۱) سیطره فراملی، (۲) نداشتن انحصار به مرزهای جغرافیایی، (۳) شمولیت در روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و (۴) قدرت نفوذ مطرح شده است (جهان‌بین و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۶۴). برخی دیگر نیز ادعا کرده‌اند تمام این موارد در نه مورد کلی قابل تجمیع و گنجایش است که عبارت‌اند از: ۱. ایدئولوژی و دین؛ ۲. عوامل جغرافیایی؛ ۳. عوامل انسانی؛ ۴. عوامل فرهنگی؛ ۵. عوامل سیاسی؛ ۶. عوامل نظامی؛ ۸. سیاست خارجی؛ ۹. علم و فناوری (همان). همچنین موارد دیگری در مطالعات نظری تمدنی مطرح است. از این‌رو همان‌طور که بیان شد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها متعدد و مختلفی در بیان تمدن‌شناسان مطرح است که همگی آنها در محورهای کلی و شاخه‌های جزئی تجمیع‌شدنی است.

در پژوهش حاضر با توجه به کلیت و حقیقت مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدنی که تمدن‌شناسان مطرح کرده‌اند، چند محور مهم و اصلی برای هر تمدن با تعبیر «مؤلفه» مبنا قرار داده شده و ذیل این مؤلفه‌ها موارد جزئی‌تر که قابلیت تجمیع در یک محور اصلی (مؤلفه) را داشته باشند با تعبیر «شاخص»های تمدنی مطرح شده است. این مؤلفه‌ها و به دنبال آن زیرمجموعه‌های آنها یعنی شاخص‌ها در ادامه پژوهش به طور تفصیلی آمده که از ذکر آنها به جهت تکرار نکردن در این بخش خودداری شده و مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیرمجموعه آن در خود متن پژوهش آمده است. در این الگو که در ادامه آمده در مواردی نیز

ممکن است یک محور مهم، کلان مؤلفه باشد و خود شامل ابعاد کوچک‌تری شود. چنان‌که کلان مؤلفه «اقتدار» خود شامل ابعادی چون اقتدار سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی، علمی و فناوری می‌شود، برخی از شاخص‌ها نیز امکان این را که در هر دو مؤلفه جای بگیرند دارند، اما به جهت تکرار منحل و اختصار، تنها در یک مؤلفه ذکر شده‌اند و مسئله مهم اثبات وجود این مؤلفه‌ها یا شاخص‌ها در تمدن مورد نظر است. از این رو قسیم‌ها و تقسیم‌بندی‌ها به‌خودی‌خود در این پژوهش تأثیری در اثبات اصل نتیجه ندارند؛ چراکه مهم نشان دادن وجود این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در این مُلک است. از این رو این نوع دسته‌بندی منطقی و تغییرناپذیر نیست، بلکه بستگی به سلیقه و ذوق و همچنین بینش و اندیشه پژوهشگر دارد. اما در این پژوهش تلاش شده است جامع‌ترین الگو و چهارچوب تا حد ممکن ارائه شود. هرچند همان‌طور که بیان شد، نوع الگو در نتیجه تأثیر شایانی ندارد و دیگران می‌توانند با الگوی دیگری به واکاوی این ملک پردازند، مهم اثبات تمدنی بودن این ملک مطابق الگوهای تمدنی است.

در ادامه، ضمن بیان مفهوم و حقیقت این مؤلفه‌ها، مصادیق آنها در ملک سلیمان بررسی و تطبیق داده شده است تا میزان تمدنی بودن ملک یادشده در آن مؤلفه به‌دست آید. پس چهارچوب پژوهش حاضر ارائه یک الگو و استفاده از آن در بیان مؤلفه‌های تمدنی بوده و در ادامه تطبیق ملک سلیمان در قالب این الگو تا میزان تمدنی بودن این حکومت مشخص شود.

مؤلفه‌های تمدنی «مُلک سلیمان»

حضرت سلیمان علیه السلام از انبیای برجسته‌ای است که خداوند نیروهای عظیم و امکانات بسیار در اختیار او قرار داد؛ تا آنجا که رعد و برق، جن و انس و همه پرنندگان، چرندگان و حیوانات دیگر تحت فرمان آن حضرت بودند. او زبان همه آنها را می‌دانست و بر پهنای بسیاری از سراسر زمین فرمانروایی می‌کرد.

بر اساس داده‌های قرآنی، سلیمان نبی علیه السلام از خداوند اعطای حکومتی بی‌نظیر را درخواست کرد که مورد اجابت قرار گرفت: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ

بَعْدِي اَنْتَ اَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص: ۳۵)؛ به طوری که تا زمان حضرت مهدی علیه السلام که عصر تمدن آخرالزمان است، همانند آن تشکیل نخواهد شد. تعبیر قرآن از حکومت او با عنوان «ملک سلیمان» (بقره: ۱۰۲) بازگوکننده شکوه این حکومت است.

بررسی و تحلیل ملک سلیمان نشان‌دهنده این حقیقت است که حکومت و قدرت هیچ‌یک از انبیای الهی به اندازه ملک و حکومت سلیمان نبی نیست. این حقیقتی است که از درخواست آن حضرت از خدا درباره اعطای حکومتی بی‌مانند می‌توان دریافت (ص: ۳۵). از این‌رو بررسی این حکومت در قالب یک تمدن لازم است. چنانچه خواسته شود این ملک عظیم در قامت یک تمدن بررسی شود، مهم‌ترین و برجسته‌ترین مؤلفه‌های تمدنی در بررسی حکومت حضرت سلیمان عبارت‌اند از:

۱. ایدئولوژی و مکتب

ایدئولوژی از نظر ساخت لغوی، واژه‌ای است مرکب از دو جزء «ایده» و «لوژی» که ایده به معنای اندیشه، تصور، عقیده، نظر، آگاهی و... آمده است. ایدئولوژی در معنای عام خود مترادف مکتب است که مجموعه‌ای از رهنمودهای مکتب را چه در بُعد اندیشه و چه در بخش عمل دربرمی‌گیرد (تبیان، ۲۰۲۰م). اما به طور کلی ایدئولوژی به مفهوم مجموعه سامانمند باورها و اندیشه‌های ثابت سیاسی و اجتماعی‌ای از جمله سیستم‌های فکری، فلسفی و مذهب است که فرد، گروه یا جامعه دارد و در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آنها در مسائل سیاسی-اجتماعی مؤثر است. بنابراین ایدئولوژی مجموعه‌ای از ایده‌ها، نظرها، اعتقادات و نگرش‌هاست. البته ایدئولوژی در حوزه الهیات و مکتب دینی، یک تئوری کلی درباره جهان هستی همراه با یک طرح جامع، هماهنگ و منسجم است که راه انسان را در زندگی مشخص می‌کند و هدف آن سعادت و تکامل اوست. به عبارت دیگر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها در زندگی و رفتار انسان است که مایه سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت می‌شود. ایدئولوژی به افراد یک جامعه این امکان را می‌دهد که موقعیت خود را بهتر تعریف و بهتر معنا و مفهوم آن را درک کنند. نکته مهم آنکه ایدئولوژی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری تمدن‌ها دارد؛ به طوری که گفته می‌شود:

«نخستین پایه شکل‌گیری تمدن، وجود ایدئولوژی است» (ر. ک. جهان‌بین و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۶۵).

در بررسی ملک سلیمان مشخص است که این دولت دارای یک ایدئولوژی قوی و مکتب دینی پایدار، بر اساس جهان‌بینی توحیدی است. این مکتب، نه تنها در ملک سلیمان پایدار بوده است، بلکه ایشان خویشتن را ملزم به دعوت تمام قدرت‌های غیرتوحیدی به ایدئولوژی توحیدی و مکتب دینی خود می‌کرد و تمام توان خود را در گسترش و سیطره مکتب توحیدی در سرتاسر حیطه نفوذ و قدرت خویش در جهان می‌کرد.

نکته مهم در این باره اینکه اساساً - مطابق اذعان سلیمان در قرآن کریم - عامل موفقیت و سیطره نفوذ ایشان در برابر سایر قدرت‌های بزرگ آن عصر و همچنین تشکیل چنین مُلک عظیمی، تنها کتاب‌های توحیدی و ایدئولوژی قوی حکومت ایشان است (نمل: ۱۹ و ۴۰؛ ص: ۳۵).

خداوند در قرآن کریم سلیمان را از زمره یکتاپرستان الهی و مبرّا از شرک معرفی کرده است که همچون سایر انبیا مردم را به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت می‌کند (انعام: ۸۴-۸۸). دعوت سلیمان و تبلیغ او نیز توحیدی است: دعوت به خدای یگانه و مبارزه با مظاهر شرک و سرکشی محور رسالت و تبلیغ سلیمان است؛ چنان‌که این واقعیت را در دعوت ملکه سبا به پیوستن به ایدئولوژی حاکم بر ملک خود مطرح می‌کند و در ابتدای دعوت خود، مقتدرانه بحث توحید و خدامحوری را بیان می‌دارد و مکتب حاکم بر دولت مقتدر خود را ابراز می‌کند. ایشان در ابتدای نامه خود به ملکه سبا می‌نویسد: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَلَّا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ (نمل: ۳۰-۳۱)؛ این نامه از سلیمان است، و چنین می‌باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان. توصیه من این است که به من برتری جویی نکنید و به سوی من آید، در حالی که تسلیم حق هستید.»

این حقیقت در عصر سلیمان قابل چشم‌پوشی نیست که آنچه باعث سیطره و دست بالاتر حکومت سلیمان در مواجهه با قدرت‌های مهمی چون مُلک سبا که آنها نیز بسیاری از مؤلفه‌های مهم تمدنی نظیر اقتصاد، مدیریت، توسعه و توانمندی نظامی را داشته‌اند شده،

وجود ایدئولوژی برتر و وابستگی توحیدی دولت سلیمان بوده، که بر اساس آن، به توسعه و قدرتی فراتر از سایر قدرت‌های آن عصر دست یافته است (ر. ک. منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۸۳)؛ یعنی آنچه دست برتر را در مؤلفه‌های مهم تمدنی نسبت به سایر رقبا در این دولت به وجود آورده، ماهیت برتر مؤلفه مهم و تأثیرگذار مکتب و ایدئولوژی است؛ چنان‌که وقتی پیشکش‌های مالی ملکه سبأ برای حضرت سلیمان آورده می‌شود، ایشان بیان می‌دارند که با پشتوانه الهی، قدرت اقتصادی دولت او بسیار بالاتر از حکومت سبأ است (نمل: ۳۶). به عبارتی آنچه او را توانمندتر در عرصه اقتصاد نسبت به رقبا کرده، ایدئولوژی توحیدی حکومت اوست.

از این روست که سلیمان همه حقیقت ملک و قدرت خود را از خداوند می‌داند و ابراز می‌دارد که بر اساس پشتوانه توحیدی و مدد الهی توانسته است چنین قدرتی به دست آورد. لذا پیوسته خود را ملزم به شکرگزاری در برابر خداوند متعال می‌داند (نمل: ۱۹ و ۴۰). بنابراین به جرئت می‌توان گفت مؤلفه یادشده بسیار مهم و تأثیرگذار در تمدن‌سازی است و هر تمدنی ایدئولوژی برتری داشته باشد، مطمئناً می‌تواند در سایر مؤلفه‌ها نیز قدرتمندتر ظاهر شود. آن مؤلفه مهمی که دولت سلیمان را تا این حد مقتدر، باشکوه و با عظمت ساخت، ماهیت مؤلفه ایدئولوژی و مکتب دینی و توحیدی اوست؛ چراکه دولت‌های هم‌جوار عصر او بسیاری از مؤلفه‌های دیگر چه در بُعد اقتصادی و چه نظامی و... را داشتند، اما این ایدئولوژی قوی و برتر ملک سلیمان بود که او را نسبت به دیگران برتر ساخت؛ ایدئولوژی‌ای که مبتنی بر یگانه‌پرستی و عبادت خداوند یگانه بود. از طرفی تمام تلاش سلیمان در صدور این ایدئولوژی به سایر جوامع بود. از این رو در ملک سلیمان مؤلفه یادشده در بهترین وجه بوده و بر اساس همین ایدئولوژی بود که توانست در سایر مؤلفه‌های تمدنی قوی‌تر ظاهر شود و با وجود سایر قدرت‌های مدعی در آن عصر، بر همه آنها سیطره و در برابر آنها دست برتر را داشته باشد.

۲. مدیریت و رهبری

رهبری و مدیریت جامعه نیز نقشی اساسی و اثرگذار در آهنگ کلی حرکت و رشد و تعالی یا افول و انحطاط جامعه و به دنبال آن تمدن‌ها دارد (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۷۲). در نگرش

قرآن کریم وجود حاکمیت شایسته و حکمران صالح از مؤلفه‌های ضروری در ایجاد جامعه‌ای مطلوب و برخوردار از رشد و تحقق تمدن اسلامی است (همان: ۷۳). از این‌رو از منظر اسلام حکومت و شریعت در کنار هم توانایی پیش‌رانی یک جامعه به سوی سعادت و رشد تمدنی را دارا خواهد بود. وجود رهبرانی بزرگ و شایسته نقش بسیار برجسته‌ای در آهنگ تمدنی جامعه دارند. بنابراین اگر هر حکومت و مکتبی رهبرانی شایسته و لایق داشته باشد که بتوانند جامعه را به سمت تمدن‌سازی مدیریت کنند، قطعاً خواهد توانست در کنار سایر مؤلفه‌های لازم، حرکت دقیقی را برای رسیدن به تمدن باشکوه به‌ارمغان آورد. پس هر تمدنی رهبر یا رهبرانی شایسته و لایق می‌خواهد.

بر اساس قرآن کریم، حضرت سلیمان علیه السلام پس از پدرش خلافت الهی بر زمین را به ارث برد و خلیفه زمین شد؛ یعنی همچنان‌که خداوند به داوود علیه السلام می‌گوید: «یا داوود إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶)، در جای دیگر می‌فرماید: «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ» (نمل: ۱۶). از این‌رو آن حضرت خلافت الهی روی زمین را به امر خداوند از پدرش به ارث برد. لذا سلیمان دارای ویژگی رهبری منصوب از جانب خداوند است. مدیریت و رهبری او که در ادامه جریان‌سازی پدرش، داوود، بود، توانست یک ملک عظیم را به وجود آورد. تمام این قدرت‌ها و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز و حیرت‌آور در عصر سلیمان به سبب رهبری توحیدی و نبوت حضرت سلیمان است. سلیمان به سبب برخورداری از نعمت اتصال به منبع وحی (ر. ک. نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۴) و دانش الهی و فهمی عمیق و بصیرت دینی (انبیاء: ۷۹)، توانست جامعه عصر خویش را به سمت شکل‌گیری یک تمدن عظیم سوق دهد.

از این‌رو یکی از مؤلفه‌های مهم تمدنی وجود رهبران شایسته و مدیران لایق است که به بهترین شکل آن در عصر حضرت سلیمان وجود دارند و آن رهبری شخصی چون سلیمان است که به پشتوانه نبوت و اتصال به منبع وحی توانسته یکی از قدرت‌های بزرگ تاریخ بشر را به نحو اعجاب‌انگیزی شکل دهد. بنابراین در مؤلفه مدیریت و رهبری و در تطبیق ملک سلیمان، وجود فرد لایق و توانمندی چون سلیمان نبی که دارای دانش فراوان و توانمندی‌های منحصر به فردی است، این ملک را در این مؤلفه دارای نصاب بسیار قابل قبولی مطرح می‌کند.

۳. اقتدار

یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری برای یک تمدن، وجود اقتدار است. اقتدار به معنای توانمند شدن، توانایی و قدرت است. اقتدار از مهم‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل و در ادبیات سیاسی به معنای «قدرت مشروع» است؛ چنان‌که گاهی هم‌راستای «مشروعیت» به‌کار می‌رود (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۲۰۷). اقتدار ابعاد و وجوه مختلفی دارد؛ از جمله اقتدار در بُعد سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، نظامی و امنیتی. پس هرآنچه منجر به قدرت و اقتدار شود خود یک مؤلفه برای اقتدار است و از یک منظر هریک از ابعاد مؤلفه اقتدار می‌تواند به‌تنهایی یک مؤلفه مستقل نیز به‌شمار آید. از این‌رو می‌توان از این مؤلفه مهم به‌عنوان یک کلان‌مؤلفه یاد کرد و مؤلفه‌های مهمی چون سیاست، علم، اقتصاد، نظامی و امنیتی، هریک می‌توانند زمینه‌ساز اقتدار و قدرت برای حکومت و جامعه شوند. به همین دلیل در الگوی پژوهش حاضر ذیل مؤلفه اقتدار آورده شده‌اند. پس یکی از مؤلفه‌های مهم از نظر برخی تمدن‌شناسان برای شکل‌گیری، تداوم و ثبات تمدنی، مؤلفه اقتدار است.

در بررسی «ملک سلیمان» این مؤلفه با وجوه مختلف خود وجود داشته، و می‌توان گفت که از مشخصه‌های بارز دیگر این مُلک، قدرت و اقتدار نامحدود و بی‌نظیر است، که در جلوه‌های مختلفی نمایان می‌شود؛ از جمله:

الف) اقتدار سیاسی

یکی از مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری و شکوفایی تمدن‌ها، وجود حکومتی مقتدر و مستقل در بُعد سیاسی است. تمدن‌ها نیز زمانی به رشد و شکوفایی خود رسیده‌اند که از نظر سیاسی حاکمیت آنها در اوج اقتدار بوده است (سنچولی و ابویسانی، ۱۳۹۷: ۹۷). در بررسی ملک سلیمان مشخص است که این حکومت در اوج اقتدار سیاسی بوده و توانسته است به یک اقتدار سیاسی بایسته و بی‌رقیب در آن عصر دست یابد؛ به طوری که از منظر داده‌های روایی، این اقتدار باعث شد سلیمان بتواند به گستره سرزمینی زیادی از زمین دست یابد و بر آنها حکومت کند؛ به طوری که از او با عنوان یکی از چهار پادشاه مقتدر روی زمین با تعبیر «مَلِك الارض» در طول تاریخ تا قبل از حکومت حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است (ر.

ک. ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۵؛ شریف قریشی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۵؛ البستوی، ۱۴۲۰ق: (۳۷۶).

سلیمان علیه السلام سیاست مداری فرزانه، جنگاوری بزرگ و مدیری توانا بود. حضرت سلیمان علیه السلام در حوزه سیاست داخلی یک حکومت یک پارچه ایجاد کرد و تمام تلاش خود را در حذف قبایل مستقل و پیمان‌های فی مابین آنها به کار گرفت و برنامه‌های مهمی برای تدبیر امور داخلی حکومت خود بنیان نهاد. در حوزه سیاست خارجی آن نقل است که با بیشتر قدرت‌های بزرگ در ارتباط بود و بسیاری از سرزمین‌ها و حکومت‌ها را به قلمرو سرزمینی خود اضافه کرد و بر آنها سلطه یافت یا آنکه با آنها ارتباط برقرار کرد و ضمن دعوت آنها به حکومت توحیدی خویش، با آنان تفاهم همکاری و همراهی امضا کرد (ر. ک. منظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۷۵).

برخی قدرت را در اصطلاح سیاسی به معنای توانایی اجرای کار خاص و توانایی برای وادار کردن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر صورتی نیز تعریف کرده‌اند (ر. ک. سنچولی و ابویسانی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). این حقیقت از منظر داده روایی و ترسیم قرآن کریم در ملک سلیمان وجود داشته است؛ به طوری که چنان‌که بیان شد، قدرت‌های بزرگ آن عصر تسلیم ایشان بودند و چنان‌که در روایت آمده است، ایشان حاکم سراسر زمین، یا دست‌کم حاکم بخش اعظمی از سرزمین‌های بزرگ و قدرتمند عصر خویش بوده است. در ترسیم قرآنی از اقتدار و قدرت سلیمان آنکه بلقیس، ملکه سبأ، دارای لشکری قوی و انبوه بود؛ به طوری که مشاوران نظامی او نیز این حقیقت را تأیید کردند و به بلقیس گفتند: «نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسِّ سَدِيدٍ» (نمل: ۳۳). با این همه ملکه سبأ با درک قدرت‌های مختلف و شگفت سلیمان مجبور به سازش و در نهایت تسلیم می‌شود. او خود زمانی که درباره یک‌سانی عرش او با عرش موجود در قصر سلیمان سؤال شد، می‌گوید: «وَ أَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ» (نمل: ۴۲)؛ ما قبلاً از چنین سلطنت و قدرتی باخبر بودیم؛ یعنی نیازی به این اشاره و تذکر نیست. ما پیش از دیدن این معجزه، از قدرت او و از این ویژگی خبر داشتیم و تسلیم او شده بودیم و از این رو در اطاعت و فرمان او سر فرود آورده‌ایم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۲۱).

بنابراین می‌توان گفت مطابق داده‌های نقلی (قرآنی، روایی و تاریخی)، مؤلفه اقتدار سیاسی ملک سلیمان تا حدی منحصر به فرد است که از او در زمره معدود پادشاهان مقتدر روی کره زمین در طول تاریخ یاد شده است.

ب) اقتدار اقتصادی

اقتدار اقتصادی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم تمدنی است. اقتصاد مایه اقتدار است و جامعه و کشوری که اقتصاد محکمی داشته باشد، یک وسیله اقتدار دارد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰).

از دولت سلیمان به دست می‌آید که این ملک دارای انبوهی از ثروت و مکننت است؛ ثروت بی‌کرانی که در سایه آن رفاهی فراگیر در آن تمدن شکل گرفت و قصرها و کاخ‌های مجلل و باشکوه ساخته شدند که همگی نمادی از قدرت الهی و حکومت خلیفه‌الله روی زمین است. در سایه همین ثروت انبوه و سرشار، به اقتدار اقتصادی منحصر به فردی دست یافته بود که نیاز مالی به هیچ‌یک از دولت‌های هم‌جوار خود نداشت؛ به طوری که وقتی ملکه سبأ برای جلوگیری از جنگ و حمله حضرت سلیمان علیه السلام به سرزمین او، کمک مالی قابل توجهی را پیشکش کرد، این اقدام موجب ناخشنودی سلیمان شد و در پاسخ اقدام ملک سبأ فرمود:

أَتُمَدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (نمل: ۳۶).

شما می‌خواهید با مال دنیا به من یاری رسانید؟ آنچه خدا به من [از ملک و مال بی‌شمار] عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماست که به شما داده است؛ بلکه شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد می‌شوید.

این نوع برخورد با این کمک مالی دولت همسایه، از یک منظر بی‌نیازی مطلق او به کمک‌های مالی و توانمندی اقتصادی دولت سلیمان را می‌رساند.

همچنین هریک از شیاطین (همان جنیان سرکشی هستند که در حکومت سلیمان مجبور به خدمتگزاری شدند) که غواصی می‌دانستند برای او در دریاها غواصی، و مروارید و دیگر منافع دریایی را استخراج می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۱۲). بنابراین غواصی

شیاطین برای استخراج مروارید، ثروت را برای این دولت و ملک به ارمغان می‌آورد. آنها بسیاری دیگر از اشیای گران‌بها و باارزش چون دُر و جواهر را افزون بر مروارید، برای ایشان استخراج می‌کردند؛ چنان‌که نخستین کسی که از دریا لؤلؤ و مرجان استخراج کرد حضرت سلیمان علیه السلام بود (ر. ک. حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۸: ۳۷).

پس دولت سلیمان در مؤلفه اقتصادی، در بهترین و بالاترین وضعیت نسبت به قدرت‌های هم‌عصر خود قرار داشته است.

پ) اقتدار نظامی

قدرت نظامی مایه اقتدار است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰). از این رو این مؤلفه نقش مهمی در پدیداری و پایداری و حتی سیطره تمدنی دارد. از ابزارهای قدرت حضرت سلیمان علیه السلام وجود لشکری انبوه از انواع صنوف، حتی غیر بشر از جنیان گرفته تا پرندگان و از قدرت‌های ابزاری است که خداوند به خلیفه خود روی زمین داده است. بنابراین آمادگی ابزاری و توانمندی فوق‌العاده و شگفت‌آوری در اختیار ایشان بود. به عبارتی جنیان و پرندگان، بخشی از نیروهای نظامی آن حضرت بودند: «حُسْرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ» (نمل: ۱۷).

در آیات سوره نمل مشخص است که سلیمان علیه السلام سه نوع لشکر داشته است: لشکرهایی از جن، انس و پرندگان. در این پیوند در سوره نمل آمده است: «و برای سلیمان سپاهیان از جن، انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته‌دسته گردیدند؛ تا آن‌گاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت: ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، مبادا سلیمان و سپاهیان‌ش ندیده و ندانسته شما را پای مال کنند» (نمل: ۱۷ و ۱۸).

بنابراین از عطایایی که حضرت سلیمان در اختیار داشت، قدرت و آمادگی نظامی بی‌نظیر با افراد بسیار و قدرتمند بود که هیچ ارتشی توان ایستادگی در برابر آن را نداشت؛ مانند تهدید ملکه سبأ از سوی سلیمان علیه السلام به ارسال نیروهای نظامی قدرتمند با افراد فراوان، برای نبرد، در صورت تسلیم نشدن آنان؛ چنان‌که خداوند از زبان سلیمان علیه السلام در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا» (نمل: ۳۷)؛ لشکری به سوی آنان گسیل خواهم داشت که کسی را توانای مقابله با

آن نباشد و همانندی ندارد.» از دیگر نمونه‌های آمادگی نظامی حضرت سلیمان علیه السلام تربیت اسب‌های نفیس و تیزروست، و ایشان برای قدرت‌نمایی از آنها سان می‌بیند: «إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشيِّ الصّٰفِنٰتُ الْجِيَادُ* فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ» (ص: ۳۱-۳۲).

بنابراین می‌توان گفت در مؤلفه‌ای چون اقتدار نظامی به دلیل ماهیت و عوامل اقتدار آفرینی که در ملک سلیمان وجود داشت، در طول تاریخ تاکنون تمدنی به چنین عواملی دست نیافته، و در این مؤلفه تمدنی از حیث ماهیت اقتدار نظامی بی‌نظیر است.

ت) اقتدار علمی و فناوری

مسلم است که علم و فناوری، در برتری و کمال تمدنی جوامع جایگاهی ویژه دارد؛ به طوری که این اقتدار خاستگاه و عامل اقتدار اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و... خواهد بود (ر. ک. بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

بحث فناوری یکی از خروجی‌های مهم علم است؛ چنان‌که در قرآن کریم از پیامبرانی یاد می‌شود که با استفاده از علم اعطایی، فناوری‌ها و ابزارهای متناسب با عصر خویش را در جهت خدمت و رفاه جامعه هم‌عصر خویش به‌کار گرفتند.

در رأس حکومت عصر سلیمان، نبی الهی است که دارای دانشی سرشار و متصل به وحی است. از این‌رو ایشان دارای بصیرت و فهمی عمیق و دارای حکمت و علم است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّمَآ آتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا (انبیاء: ۷۹)؛ و حکم حق را به سلیمان فهماندیم و هر دو را فرزاندگی و دانش داده بودیم.

وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلٰی كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ (نمل: ۱۵)؛

و یقیناً ما به داود و سلیمان دانش [ویژه] دادیم، و آن دو گفتند: همه ستایش‌ها ویژه خداست؛ همان‌که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری عطا کرده است.

وصی و وزیر حضرت سلیمان، عاصف بن برخیا نیز از زمره کسانی است که از خزینه دانش الهی بهره‌مند است و ایشان نیز از این دانش در تعالی بخشی و اقتدارافزایی این حکومت

استفاده می‌کند؛ چنان‌که در قدرت‌نمایی بین جن و انس و به منظور نشان دادن شوکت و قدرت و اقتدار حکومت سلیمان به ملکه سبأ، با بهره‌گیری از علم الهی، تخت بلقیس را به کمتر از چشم‌برهم‌زدنی برای ایشان حاضر می‌کند: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَتْهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (نمل: ۴۰).

این دانش سرشار و حکمت برگرفته از عالم ربوبی در خدمت بشر و جامعه آن روز قرار گرفت و پیشرفت بسیار فزاینده‌ای را برای حکومت و دولت آن عصر آورد و زمینه بروز فناوری‌های بسیار شگفتی را نسبت به عصر خود و حتی در زمان حاضر پدید آمد.

استفاده از فناوری ذوب فلزات همچون آهن و مس که از زمان حضرت داوود، پدر سلیمان، شروع شده خود یک فناوری بزرگ در آن عصر بوده است: «وَأَلْنَا لَهُ الْأُحْدِيدَ (سبأ: ۱۰)؛ و آهن را هم برایش نرم کردیم»؛ «وَأَسْلَمْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ (سبأ: ۱۰)؛ و معدن مس گداخته را برای او جاری گردانیدیم.»

بنابراین در زمان سلیمان علیه السلام منابع مس و آهن به میزان بسیار استخراج و ذوب شد؛ چنان‌که کشفیات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که برخی از اصول ساختمان کوره‌های ذوب فلزات امروزی در بنای کوره‌های ذوب آهن و مس داوود و سلیمان علیه السلام رعایت شده است. همچنین ساخت نخستین ارابه‌های جنگی و کشتی‌های مخصوص دریانوردی در دولت او وجود داشته است (ر. ک. منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۶).

بنابراین اقدامات و کارهایی چون غواصی، ساختمان‌سازی و معماری‌های عجیب، ساخت ظروف سنگین و دیگ‌های عظیم، ساخت تجهیزات نظامی پیشرفته و نوین و ساخت کوره‌های ذوب آهن و مس همه و همه نشان از وجود دانش و به‌کارگیری فناوری در آن عصر بوده که در آن برهه زمانی بی‌نظیر است.

ث) قدرت‌های عجیب و شگفت‌انگیز

یک نکته مهم در بحث اقتدار ملک سلیمان آنکه در واکاوی ملک سلیمان در قرآن کریم علاوه و جوه مختلف ابعاد اقتدار، لازم است یک بحث دیگر نیز به طور ویژه مطرح شود، که تنها مختص به این تمدن می‌باشد و این بحث به‌نوعی پوشش‌دهنده تمام ابعاد مؤلفه اقتدار

است که بر تمام مؤلفه‌های اقتدار دولت سلیمان سایه افکنده و آن وجود قدرت‌های عجیب و شگفت‌انگیز است. در این ملک وجود کارهای شگفت و بزرگ و نیز قدرت‌های خارق‌العاده گویی پدیده‌هایی طبیعی به نظر می‌رسند؛ حضور افراد برخوردار از قدرت خارق‌العاده در میان درباریان سلیمان علیه السلام چیز شگفتی نیست. در سوره نمل از آزمون دشوار برگزار شده در میان سپاهیان حضرت سلیمان علیه السلام اعم از جن و انس سخن به میان آمده است؛ قدرت‌نمایی برای جابه‌جایی سریع یک تخت، بین جن و انسی که وصی نبی بوده است. سرانجام با آوردن تخت در کمتر از یک چشم به هم زدن و برنده شدن انسان در برابر جنیان، این قدرت‌نمایی پایان می‌یابد؛ انسانی که تنها بخشی از علم‌الکتاب نزد اوست:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُ بِكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا
عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي (نمل: ۴۰).

کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت: من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می‌آورم. پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می‌کنم و هرکس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند، بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.

حضور جنیان در این ملک خود از نمونه‌های قدرت‌های عجیب و خارق‌العاده است. استفاده سلیمان علیه السلام از جنیان در قلمرو حکومتی اش، نشانه اقتدار حکومت وی است. حضور آنان در خدمت این حکومت و تمدن و کمک در انجام کارهای گوناگون و بزرگ، از جمله شهرسازی، حضور در لشکریان و انجام کارهای مهم و فوق‌العاده از دیگر عجایب این قدرت است؛ جنیانی که هم قصرهای زیبا می‌سازند و هم غواصی می‌کنند: «مِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ» (انبیاء: ۸۲)؛ «وَالشَّيْطَانِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَّاصٍ» (ص: ۳۷)؛ «وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (ص: ۳۸)؛ و دیگران از شیاطین را که در پی اضلال خلق بودند، به دست او، در غل و زنجیر کشیدیم» (نشان از قدرتمندی).

در سوره سبأ درباره خدماتی که جنیان به حضرت سلیمان علیه السلام ارائه کردند آمده است: و برخی از جن به فرمان پروردگارش پیش او کار می‌کردند و هرکس از آنها از دستور

ما سر برمی تافت از عذاب سوزان به او می چشاندیم. [آن متخصصان] برای او هر چه می خواست از نمازخانه‌ها، و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ، مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می ساختند. ای خاندان داوود، شکرگزار باشید؛ و از بندگان من اندکی سپاسگزارند (سبأ: ۱۲-۱۳).

در این آیات، دست کم پنج موضوع در پیوند با جنیان مطرح شده است:

۱. جریان چشمه‌های مس و به‌کارگیری اجنه در این راستا؛
 ۲. ساخت محاریب: محراب‌ها، برج‌ها یا قصر (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱: ۲۹۳)؛
 ۳. ساخت تمثال‌ها؛
 ۴. ساخت ظرف‌هایی همچون حوض؛
 ۵. ساخت دیگ‌های ثابت و بزرگ غیر قابل انتقال.
- در جریان تربیت، این انسان خلیفة الله است و اشرف مخلوقات که دشمن آشکار بشر را به خدمت، و آنان را در جهت تأمین منافع به‌کار می‌گیرد. در این میان، نوع سخن، چگونگی تعامل و نوع تربیت سلیمانی در پیچیده‌ترین وضعیت موجود می‌تواند ارائه‌گر «مُلک الهی» و نشان‌دهنده توانایی یک «مُلک الهی» در اداره توحیدی جامعه باشد.
- سیر و حرکت به سرزمین‌های دیگر توسط باد، دانش منطق طیر و... همه و همه نشان از وجود قدرت‌های شگفت‌انگیز و عجیب در اختیار حضرت سلیمان است که همگی زمینه اقتدار بی نظیر مُلک او را فراهم می‌سازند.

۴. جغرافیا و گستره سرزمینی

بخشی از عوامل قدرت، جغرافیای هر حکومت و سرزمین است. خصایص جغرافیایی نقش بنیادین در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کند. صاحب‌نظران از جغرافیا به‌عنوان یکی از بسترهای اصلی قدرت یاد کرده‌اند. مساحت و گستره سرزمینی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم در بررسی قدرت است (ر. ک. جهان‌بین و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۶۷-۶۸). بنابراین مؤلفه جغرافیا و گستره سرزمینی، نقش مهمی در شکل‌گیری تمدن‌ها دارد.

درباره موقعیت جغرافیای سرزمین اورشلیم، مرکز حکومت حضرت سلیمان، گفتنی است این سرزمین در منطقه سوق الجیشی مهمی قرار داشته است؛ چراکه در غرب آسیا و منطقه خاورمیانه بوده و اکنون نیز این منطقه دارای ویژگی‌های جغرافیایی متنوع، و به دریای مدیترانه متصل است. از طرف دیگر از لحاظ جغرافیایی پلی است که سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را به هم وصل می‌کند.

به دلیل قرار گرفتن در این موقعیت جغرافیایی است که مطابق گزارش‌های تاریخی، سلیمان توانسته بود با حکومت‌های عمونی، موآبی، آرامی، کنعانی، حبشی، مصر، سرزمین سبأ و... ارتباط، و از آنها در گسترش حکومت و قدرت خود بهره‌گیرد (ر. ک. منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۷۴).

اما درباره گستره سرزمینی مُلک سلیمان که در اواخر حکومت و قدرت ایشان به‌دست آمده بود گفتنی است حکومت حضرت سلیمان علیه السلام چنان گسترده و سراسری بود که برابر گزارشی از امام صادق علیه السلام او از کسانی است که توانسته‌اند بر دنیای عصر خود سلطه و سیطره داشته باشند:

مَلِكِ الْأَرْضِ كُلِّهَا أَزْبَعَةَ مُؤْمِنَانٍ وَكَافِرَانٍ؛ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَسَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ عليه السلام وَذُو الْقُرُونَيْنِ وَالْكَافِرَانِ نُمْرُودُ وَبُخْتِ نَصْرُ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۵).

چهار نفر بر سراسر زمین فرمانروایی کردند که دو نفر از مؤمنان بودند و دو نفر از کافران. مؤمنان عبارت بودند از سلیمان و ذوالقرنین علیهما السلام و کافران عبارت بودند از بخت‌النصر و نمروود.

این روایت گویای گستردگی حکومت حضرت سلیمان است. البته باید گفت که حاکمیت سراسر زمین الزاماً به معنای سلطنت بر جزء جزء سرزمین‌های کره خاکی نیست. چه بسا منظور حاکمیت بخش عمده از جهان یا سیطره کلی بر بخش اعظمی از دنیاست؛ چراکه این تحلیل بر حاکمیت دنیا انطباق‌پذیرتر و پذیرفتنی‌تر خواهد بود. البته بعضی به طور حقیقی ایشان را ملک و حاکم تمام زمین دانسته‌اند (ر. ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۶۶). در آیه دوازده سوره سبأ آمده است: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ»؛ (یعنی ما برای سلیمان باد را در شعاع یک ماه راهی که انسان‌ها طی می‌کنند مسخر کردیم؛ به طوری که مسیر "غدو" یعنی از اول روز تا ظهر آن یک ماه باشد، و مسیر "رواح" یعنی از ظهر تا به عصرش نیز یک ماه باشد، و در نتیجه، از صبح تا به غروب دو ماه مسافت را طی کند) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۴۷). از آنچه گفته شد و

همچنین این آیه می‌توان دریافت که حکومت حضرت سلیمان علیه السلام از گستردگی قلمرو برخوردار بوده است؛ چنان‌که سفر در آن به دو ماه طی مسافت نیاز داشت؛ اما او به امر الهی با تسخیر باد، مسافت دو ماه را در یک روز طی می‌کرد. بنابراین می‌توان گفت مؤلفه جغرافیایی به بهترین شکل ممکن آن در اختیار دولت حضرت سلیمان قرار داشته و زمینه برپایی تمدن باشکوه و توحیدی را برای ایشان موجب شده است.

۵. عوامل اجتماعی و فرهنگی

عوامل اجتماعی و فرهنگی از عوامل مهم زایش تمدنی است؛ چراکه رویش و شکوفایی فرهنگی و اجتماعی بستر اصلی رشد و شکوفایی تمدنی است و مردم جامعه نیز در زندگی اجتماعی خود آن را لمس می‌کنند و از آن بهره مستقیم می‌برند. خود این مؤلفه نیز شاخص‌هایی دارد که از جمله آن رفاه، عدالت اجتماعی، توسعه و پیشرفت و نظم اجتماعی است. این شاخص‌ها در مُلک سلیمان عبارت‌اند از:

الف) رفاهی فراگیر و اختیارات فراوان

در این دوره از تمدن رفاه و آسایشی فراگیر در سایه حکومت نبی خدا و عنایت ویژه خداوند به ایشان، در جامعه شکل گرفته بود («أوتینا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (نمل: ۱۶)؛ از هر چیز به ما عطا شده است. این فضیلت آشکاری است»؛)؛ نعمت‌هایی مانند علم، نبوت، ملک، حکم (قدرت بر داوری صحیح) و دیگر نعمت‌های مادی و معنوی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۰۰)؛ عمران و آبادانی در سرزمین تحت حکومت سلیمان علیه السلام چنان فراگیر است که خداوند به سلیمان علیه السلام می‌گوید: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (ص: ۳۹)؛ عطای ما حساب و اندازه ندارد که اگر تو از آن زیاد بذل و بخشش کنی، کم شود. پس هر چه می‌خواهی بذل و بخشش بکن» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۱۲).

ب) عظمت و مکتب الهی

خداوند در آیه دوازدهم و سیزدهم سوره سبأ، گوشه‌ای از عظمت و امکانات گسترده سلیمان علیه السلام را بازگو می‌کند: برای سلیمان علیه السلام باد را مسخر کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه

را می‌پیمود، و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و چشمه مس [مذاب] را برای او روان ساختیم؛ گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند و هریک از آنها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانندیم. آنها هرچه سلیمان علیه السلام می‌خواست برایش می‌ساختند: معبدها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا، همانند حوض‌ها، و دیگ‌های ثابت که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان گفتیم: ای آل داوود، شکر این همه نعمت را به‌جا آورید. ولی گروه اندکی از بندگان من شکرگزارند: «اغْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا» (سبأ: ۸۳).

پ) عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی

عدالت یک شاخص مهم در تمدن‌هاست و یک ممیزه مهم و مورد استقبال عمومی می‌باشد.

در قرآن کریم خداوند حضرت داوود را خلیفه و جانشین خویش روی زمین قرار می‌دهد و در پی آن می‌فرماید: «فَاَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ (ص: ۲۶)؛ در میان مردم به‌حق داوری کن.» سلیمان علیه السلام پس از پدرش خلافت الهی روی زمین را به‌ارث برد و خلیفه روی زمین شد؛ یعنی همچنان‌که خداوند به داوود علیه السلام می‌گوید: «يَا دَاوُودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ» (ص: ۲۶)، در جای دیگر می‌فرماید: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ» (نمل: ۱۶). از این‌رو آن حضرت خلافت الهی روی زمین را به امر خداوند از پدرش به‌ارث برد.

عدالت و قسط‌ورزی و ظلم‌ستیزی حکومت آل داوود به‌ویژه سلیمان تا حدی بوده است که از منظر روایات اساساً نمونه قبلی و الگوی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام که قرار است بیاید تا جهان را پر از عدل و داد کند و ممیزه اصلی منجی آخرالزمان عدالت‌گستری است، بر اساس عدالت‌گستری حکومت سلیمان است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «يَقُولُ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُودَ وَلَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۹۸)؛ دنیا به‌پایان نخواهد رسید، مگر آنکه مردی از ما خروج خواهد کرد که طبق حکومت آل داوود (داوود و سلیمان نبی) حکم می‌کند: شاهد و دلیل نمی‌خواهد و حق هرکس را به‌تمام می‌دهد.»

همچنین، هنگامی‌که از امام صادق علیه السلام پرسیده شد که چنان‌که یکی از شما (ائممه علیهم السلام)

قدرت را به دست گیرد، چگونه حکم و حکومت خواهد کرد، در پاسخ فرمودند: «بِحُكْمِ اللَّهِ وَ حُكْمِ دَاوُدَ (همان)؛ به حکم خدا و الگویی داوری حضرت داوود علیه السلام».

راجع به روایاتی که نشان دهنده نزدیکی و همانندی حکومت حضرت مهدی با حضرت سلیمان علیه السلام است نیز آمده است که امام باقر علیه السلام درباره قیام آن حضرت و شیوه حکومت حضرت مهدی می فرماید:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَعَرْبَهَا وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ يَسِيرٌ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ (الطوسي، ۱۴۱۱ق: ۴۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۲۹۱).

او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و چندان از مردم بی دین به قتل می رساند که جز دین محمد صلی الله علیه و آله باقی نماند؛ و او به روش سلیمان بن داوود علیه السلام حکومت می کند.

روایت پیش گفته در نهایت با یک عبارت «سیره حکومت او همچون سلیمان نبی علیه السلام است» در تشبیه این حکومت و تمدن، توجه مخاطبان را به شیوه حکومت سلیمان نبی علیه السلام معطوف می کند و به عبارتی می گوید چنانچه می خواهید بدانید حکومت او و تمدن عصر او چگونه خواهد بود، نمونه قبلی آن، تمدن عصر سلیمان نبی علیه السلام است که با بررسی و تحلیل آیات زمان حکومت سلیمان می توان ویژگی های تمدن آخرالزمان را از آن استخراج کرد؛ یعنی عدالت ورزی و قسط محوری پیش از آن، تنها به طور کامل در حکومت سلیمان نبی و قبل از آن در حکومت داوود نبی وجود داشته است.

اساساً از داده های نقلی و تاریخی متون و نصوص مختلف به دست می آید که داوود علیه السلام پیامبری عدالت گستر و قانون محور بود و از قضاوت هایی که داوود به منظور برپایی عدالت انجام داد، کار قضاوتی مشترک با فرزند خود، سلیمان، بود. این قضاوت مربوط به داوری بین صاحب گله دام و کشاورزی بود که کشت او توسط دام آن فرد آسیب دیده بود. در این زمان سلیمان نوجوان بود. این پدیده تاریخی، اشاره هایی به محوریت عدالت در حکومت داوود، و تداوم آن در روش حکومتی سلیمان دارد. نقش سلیمان در حاکمیت ابتدا با همان قضاوت آغاز شد، اما به توسعه اقتصادی-فرهنگی و علمی منجر گردید. بنابراین، میوه های

درخت عدالت زمان داوود، همان رشد و بالندگی علمی و اقتصادی و تمدن باشکوه دوره سلیمان است (منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۶۹).

ث) شهرسازی و معماری

یکی از نشانه‌ها و نمادهای ظهور و بروز تمدنی، نمود شهرسازی و معماری ویژه یک تمدن است و اساساً پایایی و یادمانی یک تمدن یا بخش عمده از آن در گرو معماری ویژه آن تمدن است.

اما در بررسی این شاخص در مُلک سلیمان درمی‌یابیم ایشان دارای قصر و تشکیلاتی بس آباد و معمور و دارای کاخی زیبا و مزین به بلور و نقوش بلورین بود. وی توانسته بود به عنایت الهی در شهرسازی، قصرسازی و برج‌سازی نمونه‌ای بی‌مانند در تمدن عصر خویش را به‌نمایش بکشاند. نقل‌های افسانه‌ای از کاخ‌ها یا معبد سلیمان ﷺ خود گویای این حقیقت است. ساخته شدن قصر سلیمان ﷺ از آبگینه‌های آب‌نما، نشانه تمدن عظیم در آن دوران است (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۳۰۶). قرآن کریم هنگام بیان نمونه‌ای از این معماری و هنر بی‌نظیر داستان ورود ملکه سبا به کاخ بلورین و آبگون سلیمان را به‌تصویر می‌کشد که زن باهوش و بادرایتی چون بلقیس نیز با دیدن آن دچار خطای دید می‌شود و صحن این قصر را مملو از آب می‌پندارد؛ درحالی‌که اگر آبی نیز وجود داشت، باروکشی از بلور مزین شده بود و سطح آن از بلور شفاف بود:

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ (نمل: ۴۴).

به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است. پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]. سلیمان گفت: این محوطه‌ای است صاف و هموار از شیشه.

ناگفته نماند که این‌گونه از پیشرفت، حاصل حضور جنیان و کمک آنها در معماری و کاخ‌سازی بود: «وَمِنْ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ... يِعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ» (سبا: ۱۲-۱۳). بعضی واژه محارِب را به معنای کاخ و قصر دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱: ۲۹۳). خداوند نیز به‌صراحت می‌فرماید: «الشَّيَاطِينُ كُلُّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ (ص: ۳۷)؛ بعضی از این شیاطین جن برای ایشان معماری و غواصی می‌کردند.»

بنابراین می‌توان گفت در عصر سلیمان این نوع معماری بی‌نظیر بوده است.

ج) قانون و نظم اجتماعی

یکی از مؤلفه‌های مهم تمدنی، داشتن قانون و نظم اجتماعی است که در پناه آن آحاد جامعه به بهترین نحو از زندگی اجتماعی خویش بهره‌برند و از حقوق و منافع مادی و معنوی خود در بستر جامعه بهره‌مند شوند. جامعه متشکل از آحاد انسان‌هایی است که تمایلات فردی و منافع شخصی دارند. تأمین منافع برحسب مصالح واقعی همه اعضای جامعه و بدون تزاخم با منافع دیگران و پای‌مال کردن مصالح عمومی و نیز دستیابی به هرگونه پیشرفت مادی و معنوی، به وجود قوانین استوار و کارآمد وابسته است. اما تدوین قوانین مبتنی بر واقعیات حیات اجتماعی و مصالح حقیقی انسان‌ها، تنها از عهده کسی ساخته است که شناخت کاملی از انسان و ساختار وجودی او داشته باشد و از دیگر سو، هیچ‌گونه غرض شخصی و سودپرستانه و تأثیر از عوامل بیرونی نداشته باشد (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۷۲).

در مُلک سلیمان با آن‌همه پیچیدگی و توسعه‌یافتگی، اگر نظم ویژه و سامان‌یافتگی حساب‌شده حاکم نبود، امکان اینکه اصناف مختلفی همچون جمعیتی از جن، انس و پرندگان که در لشکر و حکومت ایشان حضور داشتند، بتوانند با یکدیگر همکاری و هم‌افزایی داشته باشند، وجود نداشت.

وجود جن و انس به‌صورت عیان در جامعه بدون خطر و ترس و اختلاط آنها خود نمونه‌ای از نظم اجتماعی و وجود قانون دقیق و حساب‌شده در آن جامعه است. در آیات سوره نمل مشخص است که سلیمان علیه السلام سه نوع لشکر داشته است: لشکرهایی از جن، انس و پرندگان. این موضوع برای جانداران مختلف نیز آشکار و روشن بود؛ چنان‌که سخن مورچه درباره لشکر سلیمان علیه السلام در سوره نمل، از «جنود» سلیمان علیه السلام حکایت می‌کند و نه «جند» سلیمان. مورچه از کجا مطلع بود که سلیمان علیه السلام لشکری از جنیان دارد؟ آیا جز این است که آنان را همچون لشکر انسان‌ها و پرندگان، در هیبتی مادی می‌دید؟ همین‌طور در ماجرای آوردن تخت بلقیس، حضور دو صنف بشر و جن به‌صورت عیان مشهود است. از این‌رو تنها با وجود یک قانون و نظم اجتماعی امکان همکاری و هماهنگی و کار این صنوف با آن‌همه پیچیدگی

خلقتی و رفتاری وجود داشته است. ماجرای غیبت هدهد و بر خورد شدید و قاطع سلیمان در این باره و تهدید به مؤاخذه هدهد همه نشانگر وجود یک نظم و قانون در حکومت ایشان است:

و تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ * لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِي سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (نمل: ۲۰-۲۱).

و سلیمان [از میان سپاه خود] جویای حال مرغان شد [هدهد را در مجمع مرغان نیافت. به رئیس مرغان] گفت: هدهد کجا شد که به حضور نمی‌بینمش؟ بلکه [بی اجازه من] غیبت کرده است؟ [چنان که بدون عذر بی‌رخصت غایب شده،] همانا او را به عذابی سخت معذب گردانم یا آنکه سرش از تن جدا کنم یا که [برای غیبتش] دلیلی روشن [و عذری صحیح] بیاورد.

نتیجه‌گیری

در واکاوی حکومت سلیمان در مؤلفه‌های تمدنی به دست آمد که در مؤلفه‌هایی چون ایدئولوژی و مکتب، مدیریت و رهبری، اقتدار به‌ویژه اقتدار نظامی و اقتصادی و قدرت‌های عجیب، مؤلفه جغرافیا و گستره زمینی در مقایسه با سایر تمدن‌ها، کم‌نظیر و در مواردی بی‌نظیر است. در شاخصی چون عدالت در طول تاریخ بشری مطابق داده نقلی تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام بی‌نظیر بوده است. در شاخص‌هایی چون رفاه، توسعه شهرسازی و معماری نیز دارای شاخص‌های تمدنی، و در مواردی حتی کم‌نظیر بوده است. به طور بارز به دست می‌آید که چگونگی تعامل و نوع تربیت حضرت سلیمان در پیچیده‌ترین وضعیت موجود می‌تواند ارائه‌گر «مُلک الهی» و نشان‌دهنده توانایی «مَلِک الهی» در اداره توحیدی جامعه باشد. بنابراین مُلک سلیمان بالحقیقه در قامت یک تمدن توحیدی قابل ارائه بوده و می‌توان به صراحت گفت که «مُلک سلیمان» مساوی با «تمدن سلیمان» است.

نکته دیگری که از برآیند این پژوهش قابل استنباط خواهد بود اینکه چنان‌که حکومتی بر اساس ایدئولوژی توحیدی توانسته تمدن کم‌نظیری را در برهه‌ای از تاریخ ایجاد کند، امکان برپایی مجدد یک تمدن عظیم توحیدمحور با همان هیمنه یا حتی هیمنه‌ای بالاتر و وسعتی فراتر شدنی خواهد بود. از این رو نظریه «تمدن نوین اسلامی» وسط انقلاب اسلامی و

همچنین نظریه اعتقادی وعده داده شده به مسلمانان با عنوان «تمدن مهدوی» دارای پشتوانه تجربی و عملی موفق خواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم.

آوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، قم، جامعه مدرسین.

_____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه.

البستوی، عبدالعظیم (۱۴۲۰ق). موسوعة فی أحادیث الإمام المهدی، بیروت، دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

تبیان (مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی) (۲۰۲۰م). «ایدئولوژی چیست؟»، دسترسی در: ۲۶

خرداد ۲۰۲۰، ایدئولوژی چیست / article.tebyan.net/103207

جهان بین، فرزاد و فرشته میرحسینی (۱۳۹۶). «بررسی و مقایسه مؤلفه های تمدن ساز میان

چهار کشور ج.ا.ایران، عربستان، ترکیه، مالزی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۶،

ش ۲۲، تابستان، ص ۶۱-۹۲.

حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.

خوشدونی، مهدی و محمد شب دینی پاشاکی (۱۳۹۶). «بررسی ویژگی ها و شاخص های تمدن

آخر الزمان از منظر قرآن کریم با تحلیل همانندی های آن با حکومت های اولیای الهی»،

مشرق موعود، س ۱۱، ش ۴۳، پاییز، ص ۲۱۶-۱۸۹.

روحانی مشهدی، فرزانه و دیگر نویسندگان (۱۳۹۲). «شباهت های امام مهدی عجل الله تعالی

فرجه الشریف و پیامبران الهی در قرآن»، مشرق موعود، س ۷، ش ۲۵، بهار، ص ۸۱-۱۰۴.

بن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر (۱۳۷۰). الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر،

قم، شریف رضی.

سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). «شاخص های تمدن اسلامی بر اساس آموزه های قرآن

کریم»، آموزه های قرآنی، س ۱۱، ج ۱۹، بهار و تابستان، ص ۶۱-۸۲.

سنچولی، دوست علی و ملیحه ابویسانی (۱۳۹۷). «نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت های

- اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، س ۴، ش ۱۲، پاییز، ص ۹۵-۱۱۶.
- شریف القرشی، باقر (۱۴۱۷ق). حیاة الإمام المهدی، قم، ابن المؤلف.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۰۰ق). اصالت مهدویت، قم، مسجد جمکران.
- طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمد موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه علیرضا کرمی، تهران، فراهانی.
- _____ (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۱۱ق). الغیبه، قم، دار المعارف الإسلامیه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیه.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، سوره مهر.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- منتظرالقائم، اصغر و زهرا سلیمانی (۱۳۸۸). «توسعه و تمدن‌سازی در حکومت‌های دینی»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، س ۶، ش ۴، زمستان، ص ۶۵-۸۴.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران، نشر صدوق.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب.